



آشنایی با اندیشه‌های اقتصادی امام علی (ع) در نهج البلاغه

محمد مولایی*

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۰۹/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۰۲/۲۵

چکیده

منبع اصلی اندیشه‌های اقتصادی امام علی (ع)، نهج البلاغه و منابع دیگری مانند غررالحکم و دررالکم آمدی، اصول کافی و غیره است که در آن با استناد بر خطبه‌ها، نامه‌ها، کلمات قصار و همچنین سیره اقتصادی آن حضرت، با دیدگاه‌های اقتصادی وی آشنا می‌شویم. اندیشه‌های اقتصادی امام علی (ع) ملهم از قرآن، کتاب مقدس مسلمانان و سنت پیامبر اسلام (ص) است و به‌عنوان الگویی برای جوامع و حکومت‌های اسلامی می‌باشد. مهم‌ترین اصول تفکرات اقتصادی امام علی (ع) را می‌توان در ۶ اصل زیر مطرح نمود: ۱- رعایت عدالت در تمام شئون اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، ۲- فقرزدایی در جامعه اسلامی، ۳- سیاست‌های مالی، ۴- مقابله با مفاسد اقتصادی، ۵- وظایف اقتصادی دولت اسلامی و ۶- رعایت قناعت و ساده‌زیستی در زندگی فردی و اجتماعی. نتایج تحقیق حاکی از آن است که رعایت اصول فوق، نوید بخش یک جامعه اسلامی مطابق با دیدگاه‌های امام علی (ع) در نهج البلاغه می‌باشد؛ جامعه‌ای که در آن حقوق افراد مطابق با استحقاق آن‌ها تأمین شود، فقر و تکاثر ثروت و مفاسد اقتصادی در جامعه وجود نداشته باشد و همه مردم دارای یک زندگی سادتمند در دنیا و آخرت باشند.

کلید واژه‌ها: امام علی (ع)، نهج البلاغه، مفاسد اقتصادی، وظایف دولت اسلامی.

۱. استادیار گروه اقتصاد دانشگاه بوعلی‌سینا

* نویسنده مسئول

مقدمه

امام علی (ع) امام اول شیعیان و خلیفه چهارم اهل تسنن می‌باشد و به مدت چهار سال و نه ماه و سه روز حاکم جهان اسلام بود که دارای تجربه کشورداری است و نقطه‌نظرات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی آن حضرت به‌عنوان یک شخصیت مذهبی- سیاسی و الهی حائز اهمیت می‌باشد. در این مقاله سعی شده است با برخی از دیدگاه‌های اقتصادی آن حضرت آشنا شده و آن را به‌عنوان مبنایی برای شناخت اقتصاد اسلامی مدنظر قرار دهیم. بیشتر اندیشه‌های اقتصادی امام علی(ع) در سطح کلان اقتصادی مطرح می‌باشد، گرچه آن حضرت در سطح خرد نیز نظریاتی برای هر فرد به‌عنوان مصرف‌کننده، تولیدکننده و فروشنده کالاها و خدمات دارد.

مهم‌ترین اصول اقتصادی امام علی(ع) در سطح کلان به شرح زیر می‌باشد:

۱. رعایت عدالت در کلیه شئون اجتماعی، سیاسی و اقتصادی
۲. فقرزدایی از جامعه اسلامی
۳. سیاست‌های مالی
۴. مقابله با مفاسد اقتصادی
۵. وظایف اقتصادی دولت اسلامی
۶. رعایت قناعت و ساده‌زیستی در زندگی فردی و اجتماعی

در زیر هریک از اصول فوق تبیین می‌شود:

اصل اول: رعایت عدالت در کلیه شئون اجتماعی، سیاسی و اقتصادی

امام علی (ع) چه در گفتار و چه در کردار مظهر عدل و عدالت‌خواهی در اسلام است. امام علی(ع) عدالت را یک تکلیف و وظیفه الهی بلکه یک ناموس الهی می‌داند. از دیدگاه امام علی(ع) عدالت اجتماعی یک اصل همگرا و مشروع حکومتی است که همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، اداری و سازمانی را در بر دارد. عدالت اجتماعی در نهج‌البلاغه به‌صورت یک فلسفه یا نظریه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی مورد توجه قرار می‌گیرد و به شکل یک ناموس بزرگ اسلامی جلوه می‌کند. در نهج‌البلاغه ۱۶ مورد از عدالت اجتماعی به‌صورت کلی و در چارچوب بعد حقوقی و آزادنشی، ۳۴ مورد از بعد حقوقی و سیاسی و اداری و بالاخره در ۲۰ مورد از بعد عدالت اقتصادی سخن به میان آمده است. از دیدگاه امام علی(ع) عدل و عدالت دارای چندین معنی و مفهوم است:

الف - اولین معنی عدالت از دیدگاه امام علی(ع) تساوی و برابری افراد در عالم خلقت است.

علی (ع) در بخشی از خطبه ۱۸۵ نهج البلاغه^۱ می‌فرماید:
 "... همه موجودات سنگین و سبک، بزرگ و کوچک، نیرومند و ضعیف، در اصول حیات و هستی یکسانند" (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۵: ۲۶۱).

بنابراین، آن حضرت با توجه به اصل تساوی افراد در خلقت، آزادی و مساوات را یک حق بشری می‌داند که خدا به آنان داده است.

ب- مفهوم دیگر عدل و عدالت از دیدگاه امام علی(ع)، محق بودن هر فرد نسبت به حقی است که به‌طور مشروع دارد. امام علی(ع) احقاق حقوق مردم را یک رویه‌ای عادلانه و از وظایف حاکم اسلامی می‌داند و در این باره می‌فرماید:

"خوارترین افراد نزد من عزیز است تا حق او را بازگردانم و قوی در نزد من پست و ناتوان است تا حق را از او باز ستانم" (نهج البلاغه، خطبه ۳۷: ۹۱).

امام علی(ع) می‌فرماید: "هیچ عدلی سودمندتر از باز گردان مظلمه و ادای دیون نمی‌باشد" (غررالحکم: ۱۸۷).

ب- معنی و مفهوم دیگر عدل از دیدگاه امام علی(ع)، "انصاف" است. انصاف به معنی رفتار درستکارانه با اصول عدالت می‌باشد.

امام علی(ع) در این باره می‌فرماید: "خداوند به عدل و احسان فرمان می‌دهد. عدل، مراعات انصاف است و احسان همان بخشش و تفضل می‌باشد" (نهج البلاغه، حکمت ۳۱: ۶۷۹).

مزایای عدل و عدالت از دیدگاه امام علی(ع)

از نظر امام علی (ع)، برقراری عدل و عدالت در جامعه یک تکلیف و وظیفه الهی است و اساس قوام و استمرار حکومت‌ها در رعایت عدالت توسط حاکمان می‌باشد. برخی از بیانات امام علی(ع) درباره مزایا و اهمیت برقراری عدل و عدالت به شرح زیر است:

- عدل پایه‌ای است که بنای جهان بر آن استوار است (بحارالانوار، ج ۷۸: ۸۳).
- عدل، زیبایی و جمال حاکمان است (غررالحکم: ۵۰).
- همه نیکی‌ها در عدل نهفته است و عدالت بالاترین درجه ایمان است (غررالحکم: ۲۹).
- عدالت را به کار گیر و از بی‌انصافی و بی‌عدالتی برحذر باش که بی‌انصافی کردن با مردم آنان را آواره می‌کند و بی‌عدالتی به قیام مسلحانه وا می‌دارد (نهج البلاغه، حکمت ۷۴۳: ۴۷۶).
- حکومت پایدار نمی‌ماند، مگر بر محور عدل (غررالحکم: ۳۵۵).

۱. نهج البلاغه مورد استفاده در این کتاب، ترجمه محمد دشتی است.

راهکارهای اجرای عدالت در جامعه از دیدگاه امام علی (ع)

امام علی (ع) عوامل زیر را در اجرای عدالت در جامعه مؤثر می‌داند:

۱- وجود حاکمان و حکمرانان عادل و متقی

آن حضرت می‌فرماید: "رعیت اصلاح نمی‌شود، جز آن که زمامداران اصلاح گردند و زمامداران اصلاح نمی‌شوند، جز با درستکاری رعیت" (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶: ۴۴۳).

۲- نظارت بر اعمال و رفتار صاحب منصبان در جامعه

امام علی (ع) به‌عنوان یک حاکم اسلامی، بر رفتار و عملکرد صاحب منصبان حکومتی، نظارت داشتند. به طرق مختلف آن‌ها را در رعایت عدالت ارشاد می‌کردند. آن حضرت در نامه‌ای به محمدابن ابوبکر، فرماندار مصر می‌فرماید:

"با مردم فروتن، نرمخو و مهربان باش، گشاده رو و خندان باش. در نگاه‌هایت و در نیم‌نگاه و خیره شدن به مردم، به تساوی رفتار کن تا بزرگان در ستم‌کاری تو طمع نکنند و ناتوان‌ها در عدالت تو مأیوس نگردند" (نهج البلاغه، نامه ۲۷: ۵۰۹).

اصل دوم: فقرزدایی در جامعه اسلامی

از دیدگاه امام علی (ع)، فقر که نقطه مقابل غنا می‌باشد، دارای معانی متفاوتی است که متناسب با جایگاه آن مورد ستایش و سرزنش واقع شده است.^۱ در زیر به فقر و غنای مالی به‌عنوان یکی از اصول اقتصاد علوی پرداخته می‌شود:

فقر مالی از دیدگاه امام علی (ع)، ذاتاً نامطلوب و غنای مالی (در صورت مشروع بودن منشأ آن) مورد ستایش است. در این باره امام علی (ع) می‌فرماید:

- فقر بزرگ‌ترین مرگ است (نهج البلاغه، حکمت ۱۶۳: ۶۶۵).

- فقر زیرک را از بیان حجت و دلیلش باز می‌گرداند و انسان فقیر در شهر خویش بیگانه است (همان، حکمت ۳: ۶۲۵).

- فقر مایه نقصان دین و سرگردانی عقل و باعث دشمنی (و بدبینی) می‌شود (همان، حکمت ۳۱۹: ۷۰۷).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، فقر مالی از دیدگاه امام علی (ع)، امری نامطلوب و تخریب‌کننده فکر و عقل و همچنین دین و شخصیت انسان‌ها می‌باشد.

۱. از دیدگاه امام علی (ع) انواع فقر و غنا عبارتند از: ۱- فقر و غنای ذاتی، ۲- فقر و غنا به معنای نیاز و عدم‌نیاز انسان‌ها به یکدیگر در جامعه، ۳- فقر و غنای فرهنگی، ۴- فقر و غنای نفس و ۵- فقر و غنای مالی.

در متون دینی، درباره فردی که دارای فقر مطلق و فقر نسبی است، اصطلاحاً گفته می‌شود که نیاز شأنی آن فرد کمتر از حد کفایت زندگی وی می‌باشد و آن فرد مستحق دریافت زکات برای ارتقای زندگی خود در حد کفایت است (طباطبایی، محمدکاظم، ۱۳۷۶: ۳۰۸)

در بیشتر جوامع، اولین اولویت در برنامه‌ریزی‌های دولت آن است که از بروز و شیوع فقر مطلق در جامعه جلوگیری نمایند و دولت با انواع تسهیلات و یارانه‌ها حداقل معیشت را برای آحاد مردم تأمین نماید.

در دین مقدس اسلام نیز حد و معیاری برای تشخیص فقیر از غنی تعیین شده است: به نظر می‌رسد بهترین حدی که برای تشخیص فقیر از غنی در اسلام می‌توان تعیین کرد، آن است که هرگاه سطح زندگی فردی بیش از حد کفایت باشد، آن فرد غنی محسوب می‌شود. همچنین غنی بودن هر فرد مسلمان از نظر اسلام دارای دو شرط است: شرط اول: هر کس که دارای نصاب کالاهایی که زکات بر آنها تعلق می‌گیرد، باشد ملزم به پرداخت زکات است.

شرط دوم: مستطیع بودن فرد برای رفتن به حج تمتع می‌باشد (سیدمرتضی، ۱۳۷۶: ۱۲۵). به عبارت دیگر، از دیدگاه اسلام، فردی که توانایی مالی پرداخت خمس و زکات را دارد و مستطیع در رفتن به حج تمتع است، به حد کفایت مالی رسیده و غنی محسوب می‌شود و افرادی که چنین توانایی را ندارند، فقیر می‌باشند و مستحق دریافت زکات برای رسیدن به حد کفایت زندگی هستند.

راهکارهای مقابله با فقر از دیدگاه امام علی(ع)

از نظر اسلام، حد و مرز بین فقیر و غنی توانایی افراد در تأمین نفقه (یعنی خوراک، پوشاک و مسکن) و برخورداری از یک زندگی متعادل و متناسب با شأن و منزلت اشخاص است که براساس عرف جامعه تشخیص داده می‌شود. فردی که امکانات زندگی‌اش کمتر از حد کفایت وی می‌باشد، مستحق دریافت زکات است. از دیدگاه امام علی(ع) در ارتباط با فقر و فقرزدایی چند عامل مؤثر می‌باشد و لذا وظایف متفاوتی برای اқشار و نهادهای مختلف در جامعه برای رفع فقر در نظر گرفته شده است:

الف- وظایف فقرا

امام علی(ع) فقرا را به کار و تلاش و کوشش فراوان، حتی اگر منجر به دور شدن از محل زندگی ایشان شود، دعوت می‌کند.

آن حضرت می‌فرماید: در غربت و دوری از وطن خجالتی نیست، خجالت این است که در وطن باشی و فقیر باشی (آمدی، غررالحکم و دررالکلم: ۵۹۷).

از دیدگاه امام علی(ع) کسی که با داشتن ابزار اولیه چون آب و خاک، به دلیل تنبلی یا بیکاری و کم کاری به فقر مبتلا شود، خود مسئول فقیر بودن خویش می‌باشد و خود را از رحمت گسترده الهی

بی نصیب خواهد کرد. آن حضرت می فرماید: "هر کس آب و خاکی بیابد و باز هم فقیر باشد، خدا او را از رحمت خود دور می کند" (رشاد، ۱۳۸۵: ۲۳۰).

ب- وظایف اغنیاء

از دیدگاه امام علی (ع)، اغنیاء و ثروتمندان در جامعه اسلامی وظایف و تکالیفی برای مقابله با فقر و فقرزدایی دارند:

اغنیاء و صاحبان اموال باید ثروت خود را به جریان اندازند و زمینه استفاده دیگران را نیز فراهم نمایند. ضمناً میانه روی در صرف مال، تواضع و سودرسانی و عدم دل بستگی شدید به مال و ثروت از جمله توصیه های امام علی (ع) به اغنیاء می باشد. آن حضرت می فرماید:

- مؤمن در حالی که برادر دینی وی گرسنه است، سیر نمی خورد (همان: ۱۸۲).

- با میانه روی، اسراف را کنار بگذارد و امروز به فکر فردا باش و از مال به میزان ضرورت و نیاز نگهدار (همان: ۵۲۱).

ج- وظایف دولت برای مقابله با فقر

امام علی (ع) یکی از عوامل بروز فقر در جامعه را، دولت های فاسد و ستم کار می داند که با زور اموال مردم را غصب کرد و در اختیار نزدیکان خود قرار می دهند. وی می فرماید: "خرابی هر سرزمین نتیجه ی فقر مردم آن است و فقر مردم نتیجه ی حریص بودن والیان بر جمع مال می باشد" (رشاد، ۱۳۸۵: ۲۱۶). بنابراین، از دیدگاه آن حضرت وجود دولت سالم و باتقوا در جامعه اسلامی، یکی از ارکان مقابله با فقر می باشد. به عبارت دیگر، از آن جا که ثروت های عمومی از قبیل فیء (زکات، خمس، خراج، جزیه، صدقات، انفال، غنائم جنگی، مالیات های حکومتی و سایر درآمدها) در اختیار دولت اسلامی است و دولت خزانه دار ذخایر مالی و بیت المال جامعه می باشد، لذا بر دولت اسلامی واجب است که بخشی از امکانات و درآمدهای جامعه را برای مقابله با فقر و تهیدستی اقشار آسیب پذیر جامعه صرف نماید. دولت اسلامی نه تنها مسئول نیازهای حیاتی افراد می باشد، بلکه تأمین سطح زندگی مردم در حد کفایت (یعنی حدی که به طور متعارف افراد جامعه اسلامی در آن سطح زندگی می کنند) را نیز بر عهده دارد. به عبارت دیگر مسئولیت دولت، اعاله و اداره زندگی افراد در حد کفایت است و حد کفایت مفهومی قابل انعطاف است، به گونه ای که هر چه زندگی عموم جامعه مرفه تر و آسان تر شود، این مفهوم نیز بر وضعیت بهتر اقتصادی منطبق می شود. بر این اساس بر دولت اسلامی لازم است که هم نیازهای اساسی فرد از قبیل غذا، لباس، مسکن و... را تا سطح کفایت نسبت به شرایط اجتماعی برطرف کند و هم نیازهای غیر اساسی را که در عرف جامعه اسلامی در چارچوب حد کفایت تلقی می شود، تأمین نماید. لذا یکی از اولویت های دولت اسلامی مقابله با رفع فقر مطلق و رفع فقر نسبی در جامعه می باشد. دولت باید از طریق ایجاد کار برای افراد در بخش خصوصی و عمومی زمینه خودکفایی را برای آحاد مردم فراهم کند، لیکن در صورتی که فردی توان کار در هیچ یک از بخش های تولیدی را نداشته باشد یا دولت در شرایط خاصی نتواند امکانات

کار را برای وی فراهم کند، باید با پرداخت هزینه زندگی در حد کفاف، نیازهای او را برطرف سازد. به عبارت دیگر، دولت اسلامی باید اصل تأمین اجتماعی را از طریق تهیه نیازهای مکفی نیازمندان به اجرا در آورد و تا حد کفایت امکانات زندگی را برای آنها فراهم نماید (کرمی و پورمند، ۱۳۸۳: ۱۸۲-۱۹۷)

امام علی(ع) در نامه‌ای که در سال ۳۶ هجری به فرماندار اصفهان (مخنف بن سلیم) فرستاد، در ارتباط با در نظر گرفتن سهمی از زکات برای مستمندان می‌فرماید:

برای تو در این زکاتی که جمع می‌کنی، سهمی معین و حقی روشن است و شریکانی از مستمندان و ضعیفان داری، همان‌گونه که ما حق تو را می‌دهیم، تو هم باید نسبت به حقوق آنان وفادار باشی" (نهج البلاغه، نامه‌ی ۲۶: ۵۰۸).

اصل سوم: سیاست‌های مالی در اقتصاد علوی

سیاست‌های مالی از جمله سیاست‌های مهم و مؤثر دولت برای دخالت در فعالیت‌های اقتصادی محسوب می‌شود و مهم‌ترین ابزار آن از قدیم الایام اخذ مالیات بوده است. مالیات منبع درآمد و هزینه‌های دولت می‌باشد و ابزاری برای تعدیل ثروت و توزیع عادلانه درآمد در جامعه به حساب می‌آید. امام علی(ع) در بخشی از نامه ۵۳ به مالک‌اشتر نخعی - فرماندار منتصب در مصر در سال ۳۸ هجری - درباره اهمیت مالیات (خراج) و نحوه دریافت آن می‌فرماید:

مالیات (خراج) و بیت‌المال را به‌گونه‌ای واریسی کن که صلاح مالیات‌دهندگان باشد، زیرا بهبودی مالیات و مالیات‌دهندگان، عامل اصلاح امور دیگر اقشار جامعه می‌باشد و تا امور مالیات‌دهندگان اصلاح نشود، کار دیگران نیز سامان نخواهد گرفت؛ زیرا همه مردم نان‌خور مالیات و مالیات‌دهندگان هستند. باید تلاش تو در آبادانی زمین بیشتر از جمع‌آوری خراج باشد که خراج جز با آبادانی فراهم نمی‌گردد و آن کس که بخواهد خراج را بدون آبادانی مزارع به دست آورد، شهرها را خراب، و بندگان خدا را نابود، و حکومتش جز اندک مدتی دوام نیاورد.

پس اگر مردم از سنگینی مالیات، یا آفت زدگی، یا خشک شدن آب چشمه‌ها، یا کمی باران، یا خراب شدن زمین در سیلاب‌ها، یا خشکسالی شکایت کردند، در گرفتن مالیات به میزانی تخفیف ده تا امورشان سامان گیرد، و هرگز تخفیف دادن در خراج تو را نگران نسازد زیرا آن، اندوخته‌ای است که در آبادانی شهرهای تو، و آراستن ولایت‌های تو نقش دارد، و رعیت تو را می‌ستاید، و تو از گسترش عدالت میان مردم خشنود خواهی شد، و به افزایش پشتیبانی آنان تکیه خواهی کرد، بدان‌چه در نزدشان اندوختی و به آنان بخشیدی، و با گسترش عدالت در بین مردم، و مهربانی با رعیت، به آنان اطمینان خواهی داشت. آن‌گاه اگر در آینده کاری پیش آید و به عهده ایشان بگذاری، با شادمانی خواهند پذیرفت، زیرا عمران و آبادانی، قدرت تحمل مردم را زیاد می‌کند.

همانا ویرانی زمین به جهت تنگدستی کشاورزان است، و تنگدستی کشاورزان، به جهت غارت اموال از طرف زمامدارانی است که به آینده حکومتشان اعتماد ندارند و از تاریخ گذشتگان عبرت نمی‌گیرند (نهج البلاغه، نامه ۵۳: ۵۷۹).

امام علی(ع) در نامه ۵۱ به کارگزاران بیت‌المال، چنین می‌فرماید:

"از بنده خدا امیرمؤمنان به کارگزاران جمع‌آوری مالیات. پس از یاد خدا و درود. همانا کسی که از روز قیامت ترسد، زاد و توشه‌ای از پیش نخواهد فرستاد. بدانید، مسئولیتی را که به‌عهده گرفته‌اید، اندک اما پاداش آن فراوان است. اگر برای آن چه خدا نهی کرد، مانند ستمکاری و دشمنی، کیفری نبود، برای رسیدن به پاداش در ترک آن نیز عذری وجود نداشت. در روابط خود با مردم انصاف داشته باشید و در برآوردن نیازهایشان شکبیا باشید. همانا شما خزانه‌داران مردم، نمایندگان ملت و سفیران پیشوایان هستید. هرگز کسی را از نیازمندی او باز ندارید و از خواسته‌های مشروعش محروم نسازید و برای گرفتن مالیات از مردم، لباس‌های تابستانی یا زمستانی، و مرکب‌سواری و برده او را نفروشید و برای گرفتن درهمی، کسی را با تازیانه نزنید، و به مال کسی - نمازگزار باشد یا غیرمسلمانی که در پناه اسلام است - دست‌اندازی نکنید، جز اسب یا اسلحه‌ای که برای تجاوز به مسلمان‌ها به‌کار گرفته می‌شود..." (نهج البلاغه، نامه ۵۱: ۵۶۳).

راهکارهای سیاست مالیاتی امام علی(ع)

از جمع‌بندی رهنمودهای امام علی(ع) می‌توان راهکارهای زیر را در ارتباط با سیاست‌های مالیاتی آن حضرت مطرح کرد:

- ۱- مالیات به‌عنوان منبع اصلی درآمد دولت اسلامی است، لذا در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی باید به مالیات و مالیات‌دهنده اهمیت زیاد داده شود.
- ۲- درآمدهای مالیاتی باید به‌طور چشمگیری صرف عمران و آبادانی شهر و مراکز سکونت مالیات‌دهندگان هزینه شود.
- ۳- مالیات باید با توجه به شرایط اقتصادی مالیات‌دهندگان وصول شود و تخفیف و بخشودگی مالیاتی به خسارت‌دیدگان و نیازمندان باید مدنظر مسئولان مالیاتی در جامعه اسلامی باشد.
- ۴- پرهیز از اعمال زور برای گرفتن مالیات، باید مدنظر مأموران مالیاتی باشد و دولت مردم را به پرداخت داوطلبانه مالیات تشویق نماید.
- ۵- رفتار کارگزاران مالیاتی با مالیات‌دهندگان باید مؤدبانه و با تکریم و احترام باشد.
- ۶- عدم تشخیص در دریافت مالیات باید توسط کارگزاران مالیاتی رعایت گردد.
- ۷- محافظت از اموال مالیاتی باید از جمله وظایف کارگزاران مالیاتی باشد.

به‌طور خلاصه، از دیدگاه امام‌علی(ع) پرداخت مالیات‌های اسلامی از نظر شرعی امری واجب و به عنوان حق‌الله محسوب می‌شود. لذا انجام آن عبادت و دارای اجر اخروی و عدم پرداخت آن گناه و مستحق مجازات در دنیا و آخرت می‌باشد. همچنین ضمن توجه به مالیات به‌عنوان منبع اصلی درآمدها و هزینه‌های دولت برای عمران و آبادانی کشور، رعایت نکاتی که باعث ترغیب و مشارکت مالیات‌دهندگان شود، در سیاست‌های مالی اقتصاد علوی مورد توجه بوده است و در کشورهای مترقی نیز به آن عمل می‌شود.

اصل چهارم: مقابله با مفاسد اقتصادی

یکی از آفت‌ها و بیماری‌هایی که جامعه را تهدید می‌کند و به نابودی می‌کشاند، مفاسد اقتصادی است. عواملی چون، ظلم و ستم، جهل و نادانی، مدیریت غیرعلمی، تبعیض انواع فسادهای مالی از عوارض مفاسد اقتصادی است که جامعه را به نابودی می‌کشاند. وجود مفاسد اقتصادی را می‌توان در میان صاحب منصبان و کارگزاران حکومتی و همچنین در میان مردم و جامعه ملاحظه کرد. البته میان فساد حکومت و حاکمان و فساد مردم، رابطه تنگاتنگی وجود دارد. اگر حاکمان، خود فاسد باشند، بنابر اصل "الناس علی دین ملوکهم"، مردم نیز به فساد گرایش پیدا می‌کنند و اگر مردم فاسد باشند، حاکمان را نیز به سمت و سوی فساد خواهند کشاند و اگر آنان نیز مقاومت کنند، با شورش و مقاومت خود حاکمان صالح را از میان بر خواهند داشت و رؤسای فاسد را بر سرکار خواهند نشاند.

امام علی(ع) در نهج‌البلاغه، عوامل به‌وجود آوردن فساد در جامعه را شناسایی و با راهکارهایی به‌دنبال اصلاح آن‌ها و از بین بردن فساد در جامعه می‌باشد:

۱- اولین و مهم‌ترین عامل فساد از دیدگاه امام علی(ع)، حاکمان و صاحب منصبان حکومتی نالایق، ستمگر و فاسد می‌باشد. آن حضرت می‌فرماید:

"اندوهناکم که بی‌خردان و تبه‌کاران این امت، امور آنان را به دست گیرند و مال خدا را (بین خود) دست به دست بگردانند و بندگان او را (محروم و) برده خود کنند" (نهج‌البلاغه، نامه ۶۲: ۶۰۱).

امام علی(ع) در بخشی از خطبه ۱۳۱ نهج‌البلاغه می‌فرماید:

"... همانا شما دانستید که سزاوار نیست بخیل بر جان و مال و ناموس و احکام مسلمانان ولایت و رهبری کند و امامت مسلمین را عهده‌دار شود تا در اموال آنان حریص گردد. نادان نیز لیاقت رهبری ندارد تا با نادانی خود مردم را به گمراهی کشاند و ستمکار نیز نمی‌تواند رهبر مردم باشد که با ستم حق مردم را غصب و عطا‌های آنان را قطع کند. نه، کسی که در تقسیم بیت‌المال عدالت ندارد، زیرا در اموال و ثروت آنان حیف و میل می‌کند و گروهی را بر گروه دیگر مقدم می‌دارد، و رشوه‌خوار در قضاوت نمی‌تواند امام باشد، زیرا که برای داوری با رشوه گرفتن، حقوق مردم را پایمال می‌گرداند و حق را به صاحبان آن

نمی‌رساند، و آن کس که سنت پیامبر را ضایع می‌کند، لیاقت رهبری ندارد زیرا که امت اسلامی را به هلاکت می‌کشاند" (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱: ۲۴۹).

چنان‌که ملاحظه می‌شود، امام علی(ع) وجود مفاسدی از قبیل بخل و حسد، حرص و طمع، غصب اموال مردم، بی‌عدالتی در تقسیم بیت‌المال، حیف و میل اموال و ثروت جامعه، تبعیض طبقاتی، رشوه خواری و پایمال کردن حقوق مردم را ناشی از حاکمان و صاحب منصبان نالایق، جاهل و ستمکار می‌داند.

راهکارهای امام علی(ع) برای مقابله با مفاسد اقتصادی:

الف- وجود حاکمان و کارگزاران سالم، با تجربه و خوشنام

امام علی(ع)، راهکار رفع مفاسد اقتصادی و اجتماعی را وجود حاکمان و کارگزارانی متدین و متعهد به فرامین الهی می‌داند. آن حضرت در نامه خود به مالک‌اشتر، فرماندار منصوب به ولایت مصر، خصوصیات و سیمای کارگزاران دولتی را معلوم و مشخص می‌کند و می‌فرماید:

"... سپس در امور کارمندان بیندیش، و پس از آزمایش به کارشان بگمار، و با میل شخصی و بدون مشورت با دیگران، آنان را به کارهای مختلف وادار نکن، زیرا نوعی ستمگری و خیانت است. کارگزاران دولتی را از میان مردمی با تجربه و با حیا، از خاندانی پاکیزه و با تقوا، که در مسلمانی سابقه‌ی درخشانی دارند، انتخاب کن، زیرا اخلاق آنان گرمی‌تر و آبرویشان محفوظ‌تر، و طمع و ورزی ایشان کمتر و آینده‌نگری آنان بیشتر است. سپس روزی فراوان بر آنان ارزانی دار، که با گرفتن حقوق کافی در اصلاح خود بیشتر می‌کوشند، و با بی‌نیازی، دست به اموال بیت‌المال نمی‌زنند، و این اتمام حجتی است بر آنان اگر فرمانت را نپذیرند و یا در امانت تو خیانت کنند" (نهج البلاغه، نامه ۵۳: ۵۷۸).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، از دیدگاه امام علی(ع) یکی از راه‌های جلوگیری از مفاسد اقتصادی، انتصاب کارگزارانی سالم، با تجربه، دارای سابقه درخشان و خوشنام می‌باشد و دادن حقوق کافی، از جمله عواملی است که مانع فسادهای مالی توسط آن‌ها می‌باشد.

ب- نظارت دقیق بر اعمال و رفتار کارگزاران حکومتی

نظارت دقیق بر اعمال و رفتار کارگزاران حکومتی، یکی از راهکارهایی است که امام علی(ع) برای پیشگیری از فساد مالی مطرح می‌کند. امام علی(ع) در تمام ولایات و بلاد اسلامی تحت حکومت خود، عده‌ای را به‌عنوان چشم و گوش خود به‌کار گماشته بود که گزارش اعمال کارگزاران و عمال حکومتی را به ایشان ارائه می‌کردند. آن حضرت در بخشی از نامه ۵۳ به مالک‌اشتر، نظارت بر اعمال کارگزاران حکومتی را به شرح زیر مطرح می‌فرماید:

"... رفتار کارگزاران را بررسی کن، و جاسوسانی راستگو و وفا پیشه بر آنان گمار، که مراقبت و بازرسی پنهان تو از کار آنان، سبب امانت‌داری و مهربانی با رعیت خواهد بود. از همکاران نزدیک خود سخت مراقبت کن، اگر یکی از آنان دست به خیانت زد و گزارش جاسوسان تو هم آن خیانت را تأیید کرد، به

همین مقدار گواهی قناعت کرده، او را با تازیانه کیفر کن و آنچه از اموال در اختیار دارد، از او باز پس گیر، سپس او را خوار و خیانت کار به شمار و طوق بدنامی بر گردنش بیفکن" (نهج البلاغه، نامه ۵۳: ۵۷۹).

ج- برخورد قاطع با اشخاص فاسد و خیانتکار

امام علی(ع) در نامه ۱، خود به عبیدالله بن عباس، ضمن گلایه و نکوهش او به خیانت در اموال عمومی مسلمین می‌فرماید: "... پس از خدا بترس و اموال مردم را باز گردان و اگر چنین نکنی و خدا مرا فرصت دهد تا بر تو دست یابم، تو را کیفر خواهم کرد، که نزد خدا عذر خواه من باشد، و با شمشیری تو را می‌زنم که به هر کس زدم وارد دوزخ گردید. به خدا سوگند، اگر حسن و حسین چنان می‌کردند که تو انجام دادی، هرگز از من روی خوش نمی‌دیدند و به آرزو نمی‌رسیدند تا آن که حق را از آنان بازستانم و باطلی را که به ستم پدید آمده، نابود سازم" (نهج البلاغه، نامه ۴۱: ۵۴۷).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، امام علی(ع) در احقاق حقوق مردم، با هیچ‌کس حتی نزدیکان خود تعارف و رودربایستی ندارد و برخورد با کارگزاران فاسد را یکی از سیاست‌های مهم حکومتی خود می‌داند.

د- گسترش فرهنگ قناعت و ساده‌زیستی

یکی از راهکارهای امام علی(ع) برای مقابله با زیاده‌خواهی در بین کارگزاران حکومتی و مردم، گسترش و اشاعه فرهنگ قناعت و ساده‌زیستی در بین همه مردم و به‌خصوص صاحب منصبان حکومتی می‌باشد. آن حضرت در نامه‌های متعددی به حاکمان منصوب حکومتی، آن‌ها را به ساده‌زیستی، پرهیز از تجمل‌گرایی و رعایت زهد و تقوا دعوت می‌نمود. به‌عنوان مثال:

شریح‌البحارث قاضی کوفه را از خریدن خانه گران‌قیمت (از راه‌های غیرحلال) منع می‌کند (نهج البلاغه، نامه ۳: ۴۸۱).

آن حضرت، عثمان بن حنیف انصاری، فرماندار بصره را از رفتن به میهمانی‌های تجملی که توسط ثروتمندان انجام شده بود، منع می‌فرماید و زندگی ساده خویش را به‌عنوان الگوی ساده‌زیستی، به مردم بیان می‌کند (نهج البلاغه، نامه ۴۵: ۵۵۳).

بدیهی است که ساده‌زیستی مسئولان حکومتی و مردم می‌تواند در قانع بودن آن‌ها به امور مادی و پرهیز از تجمل‌گرایی مؤثر باشد این می‌تواند از عوامل بازدارنده آن‌ها به فسادهای اقتصادی باشد. دومین گروه در جامعه که ممکن است رفتار آن‌ها منجر به فساد اقتصادی گردد، بازاریان، تجار و صاحبان صنایع می‌باشند.

قشر بازرگانان و بازاریان ممکن است به دلایل مختلفی مانند حرص، طمع و سودجویی باعث ایجاد اخلال و بی‌نظمی در جامعه اسلامی شوند و با احتکار، گران‌فروشی و رباخواری فساد اقتصادی را رواج دهند.

امام علی(ع) ضمن با اهمیت دانستن کار بازرگانان و صاحبان صنایع، نظارت دقیق بر کار آن‌ها توسط حکومت و فرستادن بازرسان حکومتی برای کنترل قیمت‌ها و عدم احتکار بر کالاها و در نهایت کیفر و

مجازات نمودن مجریان را بهترین راه در جهت کنترل اعمال و دور کردن این قشر از ایجاد اخلال و پاره‌ای از مفاسد اقتصادی می‌داند.

آن حضرت در نامه‌ای به مالک‌اشتر می‌فرماید:

"... سپس سفارش مرا به بازرگانان و صاحبان صنایع بپذیر و آن‌ها را به نیکوکاری سفارش کن، به بازرگانانی که در شهر ساکنند، یا آنان که همواره در سیر و کوچ کردن می‌باشند، و بازرگانانی که با نیروی جسمانی کار می‌کنند، چرا که آنان منابع اصلی منفعت، و پدیدآورندگان وسایل زندگی و آسایش، آورندگان وسایل زندگی از نقاط دور دست و دشوار می‌باشند، از بیابان‌ها و دریاها، و دشت‌ها و کوهستان‌ها، جاهای سختی که مردم در آن اجتماع نمی‌کنند، یا برای رفتن به آن‌جا، شجاعت ندارند. بازرگانان مردمی آرامند، از ستیزه‌جویی آنان ترسی وجود نخواهد داشت، مردمی آشتی‌طلبند که فتنه‌انگیزی ندارند. در کار آن‌ها بیندیش، چه در شهری که تو به سر می‌بری، یا در شهرهای دیگر، با توجه به آن‌چه که تذکر دادم. این را هم‌بدان که در میان بازرگانان، کسانی هم هستند که تنگ‌نظر و بد معامله و بخیل و احتکار کننده‌اند، که تنها با زورگویی به سود خود می‌اندیشند و کالا را به هر قیمتی که می‌خواهند می‌فروشند، که این سودجویی و گران‌فروشی برای همه افراد جامعه زیانبار، عیب بزرگی بر زمامدار است. پس، از احتکار کالا جلوگیری کن، که رسول خدا(ص) از آن جلوگیری می‌کرد، باید خرید و فروش در جامعه اسلامی، به سادگی و با موازین عدالت انجام گیرد، با نرخ‌هایی که بر فروشنده و خریدار زبانی نرساند، کسی که پس از منع تو احتکار کند، او را کیفر ده تا عبرت دیگران شود، اما در کیفر او زیاده‌روی نکن" (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳: ۵۸۲).

بنابراین، مقابله با فساد و مفسدین اقتصادی یکی از اصول مهم تفکرات امام علی(ع) می‌باشد. آن حضرت برخورد قاطع با مفسدان اقتصادی داشت و به کارگیری مدیران شایسته از نظر اعتقادی، خانوادگی و شخصیتی، نظارت مستمر و دقیق بر اعمال کارگزاران حکومتی و تأمین معیشت اقتصادی آن‌ها و توصیه به ساده‌زیستی مدیران را برای از بین بردن مفاسد اقتصادی مهم و واجب می‌دانست.

سیاست‌های آن حضرت در برخورد با مردم و اصناف مختلف برای جلوگیری از مفاسد اقتصادی، شامل

موارد زیر بود:

- توجه به معیشت عموم مردم
- نظارت بر رفتار اصناف
- اشاعه فرهنگ ساده‌زیستی در بین مردم و پرهیز از تجمل‌گرایی
- برخورد قاطع با مفسدان اقتصادی

اصل پنجم: وظایف اقتصادی دولت اسلامی

از دیدگاه امام علی(ع)، دولت اسلامی نه تنها مهم‌ترین عنصر تشخیص‌دهنده ساختار سیاسی و اجتماعی محسوب می‌شود، بلکه چه از حیث نظری و چه از حیث عملی یکی از عناصر ساختار اقتصادی نیز به حساب می‌آید. نقش دولت اسلامی از دیدگاه امام علی(ع) بسیار مهم و تعیین‌کننده است. رعایت عدل و انصاف در تمام امور حکومتی، فقرزدایی در جامعه، سیاست مالی عادلانه، رعایت قناعت و ساده‌زیستی و مقابله با مفساد اقتصادی مهم‌ترین وظیفه دولت و حکمرانان اسلامی می‌باشد و امام علی(ع) آن را اساس و قوام بقای حکومت‌ها می‌داند. در زیر بخشی از نامه امام علی(ع) به مالک‌اشتر در ارتباط با وظایف دولت اسلامی ارائه می‌شود:

"... بخشی از بیت‌المال و بخشی از غله‌های زمین‌های غنیمتی اسلام را در هر شهری به طبقات پایین اختصاص ده، زیرا برای دورترین مسلمانان همانند نزدیک‌ترین آنان سهمی مساوی وجود دارد و تو مسؤول رعایت آن می‌باشی. مبدا سرمستی حکومت تو را از رسیدگی به آنان باز دارد، که هرگز انجام کارهای فراوان و مهم عذری برای ترک مسؤولیت‌های کوچک‌تر نخواهد بود. همواره در فکر مشکلات آنان باش و از آنان روی بر مگردان، به‌ویژه امور کسانی را از آنان بیشتر رسیدگی کن که از کوچکی به چشم نمی‌آیند و دیگران آنان را کوچک می‌شمارند و کم‌تر به تو دسترسی دارند. برای این گروه، از افراد مورد اطمینان خود که خدا ترس و فروتنند فردی را انتخاب کن، تا پیرامونشان تحقیق و مسائل آنان را به تو گزارش کنند. سپس در رفع مشکلاتشان به‌گونه‌ای عمل کن که در پیشگاه خدا عذری داشته باشی، زیرا این گروه در میان رعیت بیشتر از دیگران به عدالت نیازمندند، حق آنان را به‌گونه‌ای بپرداز که در نزد خدا معذور باشی، از یتیمان خرد سال، و پیران سالخورده که راه چاره‌ای ندارند و دست نیاز بر نمی‌دارند، پیوسته دلجویی کن که مسؤولیتی سنگین بر دوش زمامداران است، اگر چه حق، تمامش سنگین است اما خدا آن را بر مردمی آسان می‌کند که آخرت را می‌طلبند، نفس را به شکیبایی وا می‌دارند و به وعده‌های پروردگار اطمینان دارند. پس بخشی از وقت خود را به کسانی اختصاص ده که به تو نیاز دارند، تا شخصاً به امور آنان رسیدگی کنی، و در مجلس عمومی با آنان بنشین و در برابر خدایی که تو را آفریده فروتن باش، و سربازان و نگهبانان خود را از سر راهشان دور کن تا سخنگوی آنان بدون اضطراب در سخن گفتن با تو گفتگو کند" (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳: ۵۸۳). چنان‌که ملاحظه می‌شود از دیدگاه امام علی(ع)، نقش دولت در امور اقتصادی بسیار مهم و جدی است و دولت مسئول سر و سامان دادن به معیشت و رفاه مردم در همه شئون زندگی آن‌ها می‌باشد.

راهکارهای وظایف دولت اسلامی از دیدگاه امام علی(ع)

از جمع‌بندی سخنان و سیره امام علی(ع) در نهج‌البلاغه و منابع دیگر، می‌توان وظایف مهم اقتصادی دولت اسلامی را در موارد زیر خلاصه نمود:

۱- اخذ مالیات عادلانه از مردم و هزینه نمودن درآمدهای مالیاتی برای توسعه و عمران کشور

- ۲- توزیع عادلانه ثروت و درآمد در جامعه
- ۳- حمایت از تولیدکنندگان، صاحبان صنایع و بازرگانان
- ۴- نظارت بر وجود یک نظام قیمت گذاری عادلانه
- ۵- مقابله با احتکار و گران فروشی
- ۶- نفی ربا در معاملات اقتصادی
- ۷- مقابله با مفاسد اقتصادی (از قبیل: سوء استفاده های مالی و انحصارگری و سودجویی)
- ۸- مقابله با فقر، ایجاد رفاه اجتماعی و کمک به نیازمندان
- ۹- نظارت و بازرسی بر عملکرد کارگزاران دولتی

اصل ششم: رعایت قناعت و ساده زیستی در زندگی فردی و اجتماعی

قناعت در متون دینی و اخلاقی به معنی رضایت داشتن به امکانات زندگی در حد کفاف است. حد کفاف در اسلام، یعنی تأمین حداقل معیشت زندگی در حدی است که انسان محتاج دیگران نباشد؛ لیکن شأن افراد نیز در تعیین سطح زندگی آنها مؤثر است (باقری تودشکی، ۱۳۸۴: ۲۳). در اسلام، مهم ترین منبع انباشت ثروت، کار و تلاش می باشد. خداوند در قرآن می فرماید: و ان لیس الانسان الا ماسعی؛ یعنی برای انسان پاداشی جز سعی و تلاش وی نیست (سوره نجم، آیه ۳۹). فقر و تهیدستی در جامعه اسلامی امری منفور و مردود است. امام علی (ع) در نهج البلاغه می فرماید: الفقر الموت الاکبر؛ یعنی فقر مالی، مرگ بزرگ و اکبر است (نهج البلاغه، حکمت ۱۶۳: ۶۶۵). بنابراین، کار و تلاشی که منجر به رفع فقر و تهیدستی گردد، در جامعه اسلامی امری واجب و عبادت محسوب می شود. مؤمنان و بندگان صالح خداوند متعال باید بیشترین تلاش را برای رفع فقر از خود و جامعه اسلامی خویش بنمایند؛ برخورداری از ثروت حلال و مشروع که توسط مؤمنان به دست آید، به عنوان یک موهبت الهی محسوب می شود و صاحبان آن با اعطای بخشی از آن به عنوان زکات، انفاق و صدقه باید شکرگزاری خود را از خداوند متعال به جای آورند. لذا قناعت را نباید در قانع بودن به کار و تلاش کمتر و کسب درآمد کمتر تلقی کرد، بلکه قناعت به معنی حریص نبودن در انباشت ثروت از طریق راه های غیر مشروع می باشد. در اسلام کسب درآمد از راه های حرام و غیر مشروع (معاملات غرری) ممنوع است. زیاده خواهی از طریق رانت خواری و کسب درآمدهای باد آورده ممنوع است. احتکار، گران فروشی، کم فروشی، دروغ گفتن و هر رفتار ناپسند برای کسب درآمد و ثروت اندوزی حرام می باشد.

امام علی (ع) تأکید زیادی بر قناعت و ساده زیستی، پرهیز از حرص و طمع زیاد در زندگی دارد. در زیر

برخی از رهنمودهای آن حضرت درباره ی رعایت قناعت در زندگی بیان می شود:

«آن که قناعت و میانه روی کند، تهیدست نخواهد شد» (نهج البلاغه، حکمت ۱۴۰: ۶۵۹).

«خوشا به حال کسی که به یاد معاد باشد و با قناعت زندگی کند» (نهج البلاغه، حکمت، ۴۴: ۶۳۶).

«هیچ گنجی، غنی تر از قناعت نیست» (نهج البلاغه، حکمت ۳۷۱: ۷۱۹).

«طمع ورزی همچون مرکبی است که انسان را به سوی هلاکت می برد» (نهج البلاغه، نامه ۳۱: ۵۳۳).

«خوش ترین زندگی، زندگی با قناعت است» (آمدی، غررالحکم و دررالکلم، حکمت ۲۹۱۸).

«پایبندی به قناعت از ولایی همّت است» (همان، حکمت ۹۴۳۵: ۴۴).

رعایت قناعت در زندگی هم دارای آثار فردی و هم آثار اجتماعی فراوانی می باشد.

آثار فردی قناعت، سعادت در دین، اصلاح نفس، راضی بودن به رضای خدا، عزّت نفس، سربلندی، بی نیازی، زندگی پاک و آسایش و آسودگی در زندگی است. کسی که قناعت دارد، شخصیتش از حرص و طمع، آز، فزون خواهی، پایمال کردن حق دیگران و... در امان می ماند. افراد قناعت پیشه به درجه ای از زهد رسیده اند و می توانند نفس خود را اصلاح نمایند و چه چیزی بالاتر از این که نفس انسان سالم باشد و به آن چه که خداوند به او داده است، خشنود و راضی باشد. کسی که قناعت در امور زندگی خود می کند، احساس بی نیازی نسبت به مردم می کند، می تواند زندگی پاک داشته باشد و روزی خود و خانواده اش را از راه حلال و مشروع به دست آورد. افراد قانع آسودگی خاطر در زندگی خود دارند و دغدغه این که اموال و ثروت آن ها در زمان حیات خود و به طور ناگهانی از دست برود را ندارد و نگران ثروت خود پس از مرگ نیز نمی باشند.

آثار اجتماعی قناعت و ساده زیستی در جامعه، ایجاد جامعه ای معتدل و برقراری عدالت اجتماعی و اقتصادی می باشد. در چنین جامعه ای مردم با یکدیگر برای انباشت مال و ثروت به قیمت پایمال کردن حق محرومان و مستضعفان رقابت نمی کنند. دولتمردان از قدرت خویش برای انباشت ثروت، سوء استفاده نمی کنند. انواع عوارض اقتصادی از قبیل رکود و تورم به وجود نمی آید. انواع جرم ها و خلاف های اجتماعی که ریشه در حرص ورزی و افزون خواهی مردم و صاحبان قدرت دارد، به وجود نمی آید، و این مدینه فاضله ای است که مدنظر اسلام می باشد. ضمناً کنترل مصرف و بهینه سازی آن به افزایش پس انداز ملی و تأمین منابع سرمایه گذاری کمک می کند و کشور را از وابستگی به اجانب و رفع عقب ماندگی نجات می دهد.

به طور خلاصه، در اقتصاد علوی، کار و تلاش برای کسب رزق و روزی حلال به عنوان یک عبادت و حتی جهاد در راه خدا محسوب می شود، اما حرص و طمع و زیاده خواهی که نقطه مقابل قناعت می باشد، صفتی شیطانی و مذموم معرفی شده است. افراد قانع به روزی حلال و در حد کفاف، اشخاصی سرافراز، آزاده و دارای آسایش روحی و روانی هستند و اشخاص حریص و طماع، افرادی حقیر، ذلیل، حسود و فاقد عزّت و کرامت نفس می باشند. در اقتصاد علوی، نشانه قناعت و علاج حرص و طمع، اعتدال و میانه روی در امرار معاش و برآوردن نیازهای مادی می باشد. ساده زیستی و پرهیز از تجملات زندگی از عوامل مؤثر در رسیدن به خصلت قناعت به شمار می آید. بنابراین در اقتصاد علوی ضمن این که کار و تلاش برای رفع

فقر، امری واجب و اجتناب‌ناپذیر محسوب می‌شود، اما حرص و طمع و زیاده‌خواهی که منجر به ارتکاب انسان به اعمال ناشایسته و غیرمشروع گردد، حرام و مستوجب کیفر در دنیا و آخرت خواهد بود. به‌طور خلاصه، از دیدگاه امام علی(ع) وجود یک دولت اسلامی مقتدر که بتواند امنیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی را در جامعه به وجود آورد و کشور را از نابسامانی نجات دهد، امری لازم و ضروری می‌باشد. دولت مسئول برقراری عدالت بین اقشار مختلف جامعه، نظارت و کنترل قیمت‌ها و سایر رویدادهای اقتصادی در بازار، حمایت از اقشار زحمتکش و تولیدکننده کالاها و خدمات در جامعه، رفع نیاز اقتصادی اقشار آسیب‌پذیر جامعه و وصول انواع منابع درآمدی (دولت) و هزینه کردن آن برای رشد و توسعه اقتصادی و ایجاد رفاه در جامعه می‌باشد. دولت خوب و متعهد اسلامی در جامعه، ولی‌نعمت مردم است و باید حقوق همه مردم را به‌طور عادلانه در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی تأمین نماید و بر مردم نیز واجب است که از چنین دولتی حمایت و نسبت به آن وفادار باشند.

نتیجه‌گیری

اندیشه‌های اقتصادی امام علی(ع) نشأت گرفته از گفتار و سیره و منش آن حضرت می‌باشد و چارچوب و ساختار آن براساس رعایت اصول عدالت در همه شئون فردی و اجتماعی، فقرزدایی از همه مردم، رعایت قناعت و زندگی متعادل از جانب همه مردم و مسئولان حکومتی، اخذ مالیات عادلانه از همه اقشار جامعه، مقابله با مفاسد سیاسی و اقتصادی در بین کارگزاران حکومتی و کسبه و بازاریان استوار است و دولت مسئول و مجری اصول فوق می‌باشد. از دیدگاه امام علی(ع)، دولت خوب و اسلامی، دولتی عادل، ساده زیست و قناعت پیشه و دارای کارگزارانی عاری از انواع مفاسد اقتصادی می‌باشد و دولت بد و غیراسلامی، دولتی ظالم، ستمگر و عامل خرابی و ویرانی و فقر و فلاکت مردم است. بنابراین، مهم‌ترین رکن یک حکومت اسلامی، حکام و کارگزاران عادل و لایق می‌باشد. دومین رکن آن را مردمی متعهد، وظیفه‌شناس و ناظر بر اعمال و کردار دولتمردان تشکیل می‌دهد. در حکومت علوی، هم مردم دارای حق و مطالبات خود از دولتمردان هستند و هم دولتمردان بر مردم دارای حق می‌باشند. هرگاه مردم حکام و والیان را بر آورده کنند و والیان نیز حق مردم را برآورده نمایند، در آن صورت جامعه از عدالت علوی برخوردار خواهد بود.

بنابراین، پیشنهاد می‌شود که مبانی و اصول اقتصادی در نهج‌البلاغه به‌عنوان اصول آرمانی اقتصاد اسلامی مورد توجه کارگزاران حکومتی قرار گیرد و سعی شود در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها از آن‌ها استفاده شود. با توجه به اینکه اصول ششگانه اندیشه‌های اقتصادی امام علی(ع) هم دارای مبانی نظری در علم اقتصاد است^۱ و هم از اصول مبانی فقه اسلامی محسوب می‌شود، یافتن راهکارهای

۱. برای مطالعه مطابقت اندیشه‌های اقتصادی امام علی(ع) با عقاید اقتصاددانان، به کتاب "مقایسه اندیشه‌های اقتصادی امام علی(ع) در نهج‌البلاغه با عقاید برخی اقتصاددانان"، تألیف دکتر محمد مولایی رجوع گردد.

عملی برای پیاده کردن آن‌ها در جوامع کنونی ضروری به نظر می‌رسد. رعایت عدالت در همه شئون زندگی فردی و اجتماعی، دوری از مفاسد اقتصادی و پرهیز از فقر و تهیدستی از جمله نیازهای مبتلا به جامعه کنونی ما می‌باشد. لذا، تدوین و اجرا کردن قوانینی که مبتنی بر گفتار و سیره عملی امام علی(ع) که دارای تجربه حکومت‌داری بوده است، می‌تواند راه حل مشکلات کنونی جوامع اسلامی باشد.

منابع

- السيد المرتضى (۱۳۷۶)، الانتصار، تهران: انتشارات جهان.
- آمدی تمیمی، عبدالواحد (۱۳۳۷). *غررالحکم و دررالکم، جلد اول و دوم*، ترجمه: الانصاری، محمد علی، تهران: انتشارات آرمان.
- باقری تودشکی، مجتبی (۱۳۸۴)، *تفاوت خطوط فقر اسلامی با شئون متفاوت*، چهارمین همایش دو سالانه اقتصاد اسلامی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، پژوهشکده اقتصاد.
- دشتی محمد (۱۳۷۹)، *ترجمه نهج البلاغه*، چاپ هفتم، قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقات امیر المؤمنین.
- رشاد، علی اکبر (۱۳۸۵)، *دانشنامه امام علی (ع)*، جلد هفتم (اقتصاد)، قم: دانشگاه مفید، مؤسسه انتشارات.
- کرمی، محمدمهدی و پورمند، محمد (۱۳۸۳)، *مبانی فقهی اقتصاد اسلامی*، تهران: سازمان سمت.
- مولایی، محمد (۱۳۸۹)، *مطالعه تطبیقی اندیشه های اقتصادی امام علی (ع) در نهج البلاغه با عقاید برخی اقتصاددانان*، همدان: دانشگاه بوعلی سینا.